

معاهدات بین المللی

در اسلام و حقوق بین الملل عمومی

دکتر محمود ابراهیم الدیک

تألیف و ترجمه:

دکتر ابراهیم دوسی زاده

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



مجمع علمی و فرهنگی مجد

- سرشناسه : موسی زاده، ابراهیم،
عنوان و نام پدیدآور : معاهدات بین المللی در اسلام و حقوق بین الملل عمومی / محمود ابراهیم الدیک ؛
تألیف و ترجمه ابراهیم موسی زاده.
مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۱۸۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۱۸۸-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتاب حاضر برگرفته از کتاب «المعاهدات فی الشریعة الاسلامیه و القانون الدولی العام» تألیف محمود ابراهیم الدیک است.
موضوع : حقوق بین الملل اسلامی
موضوع : (International law (Islamic law :
موضوع : تعهدات بین المللی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع : International obligations -- Religious aspects -- Islam :
شناسه افزوده : یک، محمود ابراهیم
رده بندی کنگره : BP ۲۳۰/۱
شماره کتابشناسی ملی : ۵۸۴۱۳۶۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۴
هرگونه تکثیر کلام یا بخشی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده یا ناشر، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
مواضع تخلیه را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

معاهدات بین المللی در اسلام و حقوق بین الملل عمومی

دکتر محمود ابراهیم الدیک

تألیف و ترجمه : دکتر ابراهیم موسی زاده

انتشارات مجد

چاپ اول : ۱۳۹۸ تعداد : ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصراً «مجد» است.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۱۸۸-۸

ISBN: 978 - 622- 225- 188- 8

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

فروشگاه: تقاطع خیابان منیری جاوید و شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹

تلفن: ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.com

E- mail: info@majdlaw.com

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: @majdlaw

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۲۵	مقدمه
	باب اول: تعریف لغوی معاهدات و تعریف آن در اسلام و حقوق بین الملل
۳۱	عمومی
۳۱	مبحث مقدماتی: تعریف معاهده
۳۸	مبحث اول: مبانی معاهدات در اسلام و حقوق بین الملل
۳۸	گفتار اول: مبانی معاهدات در اسلام
۴۱	گفتار دوم: مبانی معاهدات در حقوق بین الملل عمومی
۴۲	مبحث دوم: مشروعیت معاهدات و التزام به آن
۴۲	گفتار اول: مشروعیت معاهدات و میزان احترام اسلام به معاهده
۴۳	بند اول: مشروعیت معاهدات در قرآن کریم
۴۴	بند دوم: مشروعیت معاهدات در سنت
۴۷	بند سوم: میزان احترام و التزام اسلام به معاهدات
۵۰	گفتار دوم: مشروعیت معاهدات و التزام به آن در حقوق بین الملل
۵۲	مبحث سوم: مقدمات و مراحل قبل از انعقاد معاهده
۵۲	گفتار اول: مقدمات قبل از انعقاد معاهده در اسلام
۵۴	گفتار دوم: مراحل قبل از انعقاد معاهده در حقوق بین الملل
۵۵	بند اول: ایجاد آمادگی لازم
۵۶	بند دوم: مذاکرات
۵۷	بند سوم: امضا و تصویب
۵۸	بند چهارم: ثبت معاهده و مبادله اسناد تصویب
۶۰	مبحث چهارم: انواع معاهدات در اسلام و حقوق بین الملل عمومی
۶۰	گفتار اول: انواع معاهدات در اسلام
۶۰	بند اول: معاهدات همکاری و تبادل تجاری
۶۳	بند دوم: معاهدات صلح
۶۳	بند سوم: معاهده ذمه
۶۶	بند چهارم: معاهده امان
۶۸	بند پنجم: معاهده هدنه
۷۰	گفتار دوم: انواع معاهدات در حقوق بین الملل عمومی

باب دوم: شروط انعقاد معاهدات در اسلام و حقوق بین الملل عمومی..... ۷۳

مبحث اول: شروط شرعی و قانونی معاهدات..... ۷۳

گفتار اول: شروط صحت معاهدات در اسلام..... ۷۳

بند اول: طرفین معاهدات..... ۷۳

بند دوم: موضوع معاهده..... ۷۴

بند سوم: متن و مفاد معاهده..... ۷۵

گفتار دوم: شروط صحت انعقاد معاهدات در حقوق بین الملل..... ۷۶

بند اول: صلاحیت متعاقدين..... ۷۷

بند دوم: آزادی اراده..... ۷۸

بند سوم: مشروعیت معاهده..... ۸۰

مبحث دوم: رضایت به معاهدات و آثار آن..... ۸۱

مبحث سوم: قانونی بودن معاهده..... ۸۳

مبحث چهارم: اکتفا در انعقاد معاهدات..... ۸۵

باب سوم: مقامات صلاحیت دار برای تأیید و نقض معاهدات..... ۸۹

مبحث اول: نقض معاهدات در اسلام و حقوق بین الملل و آثار آن..... ۸۹

گفتار اول: مقام صلاحیت دار در نقض معاهده..... ۸۹

گفتار دوم: نقض معاهدات و فسخ آنها..... ۹۰

گفتار سوم: موارد نقض معاهدات در اسلام..... ۹۱

بند اول: نقض ذمه..... ۹۳

بند دوم: نقض امان..... ۹۵

بند سوم: نقض هدنه..... ۹۵

بند چهارم: نقض معاهده توسط برخی از متعاقدين..... ۹۶

گفتار چهارم: موارد نقض و پایان معاهدات در حقوق بین الملل..... ۹۷

بند اول: اجراء مفاد معاهده..... ۹۷

بند دوم: توافق طرفین بر لغو معاهده..... ۹۷

بند سوم: پایان یافتن مدت معاهده..... ۹۸

بند چهارم: پایان معاهده با نقض شرایط آن..... ۹۸

بند پنجم: عدم امکان اجرای معاهده..... ۹۸

بند ششم: نابودی یکی از اطراف معاهده..... ۹۸

بند هفتم: تغییر اساسی در شرایط معاهده..... ۹۹

بند هشتم: ظهور قواعد آمره جدید در حقوق بین الملل..... ۹۹

مبحث دوم: آثار ابطال معاهدات..... ۹۹

گفتار اول: آثار ابطال معاهدات در اسلام	۱۰۰
بند اول: اثر نقض معاهده امان	۱۰۰
بند دوم: اثر نقض ذمه و هدنه	۱۰۲
گفتار دوم: آثار ابطال معاهدات در حقوق بین الملل	۱۰۳
باب چهارم: تنظیم و نگارش معاهدات	۱۰۵
مبحث اول: نگارش معاهدات و هدف از آن	۱۰۵
گفتار اول: انعقاد معاهدات	۱۰۵
گفتار دوم: نگارش معاهدات	۱۰۶
گفتار سوم: شاهد گرفتن بر معاهدات	۱۰۹
گفتار چهارم: نگارش معاهدات در حقوق بین الملل	۱۱۱
مبحث دوم: ساختار معاهدات	۱۱۲
مبحث سوم: زبان معاهدات و اجزاء آن	۱۱۴
گفتار اول: زبان معاهدات و اجزاء آن در اسلام	۱۱۴
گفتار دوم: زبان معاهدات در حقوق بین الملل	۱۱۵
باب پنجم: آثار معاهدات	۱۱۷
مبحث اول: صلح و پایان جنگ	۱۱۷
مبحث دوم: صلح موقت (مهاده)	۱۲۰
مبحث سوم: صلح دائم (عقد ذمه)	۱۲۵
گفتار اول: تعریف لغوی و اصطلاحی جزیه	۱۲۶
گفتار دوم: پیشینه جزیه	۱۲۷
گفتار سوم: ماهیت جزیه؛ تحقیر یا دفاع؟	۱۲۷
گفتار چهارم: موارد سقوط	۱۲۸
گفتار پنجم: شباهت سیستم ذمه با سیستم تحت الحمايه	۱۳۲
گفتار ششم: شروط اصلی عقد ذمه	۱۳۳
گفتار هفتم: تفاوت عقد ذمه با معاهدات صلح بین المللی	۱۳۳
مبحث چهارم: تأثیر معاهدات بر حقوق و تکالیف	۱۳۵
گفتار اول: عهد امان	۱۳۶
گفتار دوم: عقد ذمه	۱۳۸
گفتار سوم: وظائف مسلمین و اهل ذمه و اهل امان نسبت به یکدیگر	۱۳۹
باب ششم: معاهدات حیاد (بی طرفی)	۱۴۳
مبحث اول: معنای حیاد (بی طرفی) و تکالیف دولت های بی طرف	۱۴۶

- گفتار اول: انواع بی طرفی ۱۴۷
- گفتار دوم: تکالیف دولت های بی طرف و مجازات مخالفت آن ها ۱۴۹
- گفتار سوم: حقوق دولت های بی طرف ۱۵۴
- مبحث دوم: جایگاه بی طرفی (حیاد) در اسلام ۱۵۵
- خاتمه ۱۵۹
- فهرست منابع و کتاب شناسی ۱۶۹

دیباجه

۱- فقه و نظام سازی

دانش عظیم فقه از همان مراحل اولیه تکوین و تدوین با نظام سازی و مسائل و موضوعات کلاسیک اجتماعی، سیاسی و حکومتی، عجین و همراه بوده است، لکن نظام سازی مبتنی بر فقه غنی و پربار، امری است که با پیروزی انقلاب اسلامی و مجاهدت علمی و عملی فقه‌های عظیم انسان و در راس آن‌ها، امام خمینی (ره) وارد مرحله ای جدید و کاربردی شده است، تا در راستای تحقق آرمان «فقه؛ تئوری کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور»؛ نظام سازی مبتنی بر فقه به یک امر جاری بدل شده و در تتیم و تکمیل نظام جاری و جبران ناهیاها، دست‌های موجود، براساس اندیشه‌های فقاقت و اصول و موازین دینی، گام‌های مستحضر داشته شود. بر این اساس و از آن جا که «فقه نظام» مربوط به مکلف کلان و رفتار جامعه در عرصه‌های گوناگون است^۱، لذا، توجه به نظامات داخلی و بین المللی در عرصه‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و حقوقی و استنباط، تدوین و تفریع احکام فقهی آن‌ها، از الزامات فقه نظام سازی می باشد که مسلماً یکی از مهمترین این حوزه‌ها، نظام بین الملل و معاهدات بین المللی است که منظور از فقه معاهدات بین الملل نیز، تبیین فقهی- استدلالی نظام بین المللی اسلام است^۲. لازم به یادآوری است که هرچند نظام بین الملل و به تبع آن نظام بین المللی اسلام منحصر به معاهدات و فقه معاهدات نیست، لکن می توان نظام بین الملل را نظام حاصل از معاهدات نامید^۳ چرا که مبنای نظام بین الملل حتی منشور سازمان ملل متحد یعنی بر معاهدات و رعایت رضایت در الحاق و یا عضویت در آنها می باشد^۴.

۱. امام خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۷۸. ش). صحیفه امام خمینی (ره)، جلد (۲)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۲۸۹.

۲. اراکی، محسن (۱۳۹۳)، فقه نظام سیاسی اسلام، ج اول، قم، مجمع الفکر اسلامی، ص ۱۶.

۳. اراکی، محسن (۱۳۹۳)، فقه نظام اقتصادی اسلام، ج اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۵۱ و ۶۹.

4. Merrills, John (2011), International Dispute Settlement, Cambridge: Cambridge University press, p. 84.

5. Guzman, Andrew (2011). The Consent Problem in International law, Berkeley program in law and Economics, Working paper series, p. 246.

۲- فقه و طبقه بندی موضوعی

دانش فقه با توجه به گستردگی ویژه ای که دارد و از آنجا که همه ی نظامات خرد و کلان و همه عرصه های زندگی بشر را شامل می شود^۱، امروزه نیازمند موضوع بندی و طبقه بندی منطقی مباحث است؛ زیرا از یک سو، موضوعات فقهی، پیوسته در حال توسعه و تزیید هستند و از سوی دیگر، موضوع بندی این امکان را فراهم می کند که به جای مطالعه طولی، بتوان مسائل و موضوعات فقهی را از هر طبقه ای که به آن نیاز هست، دنبال کرده تا بهتر و سریع تر به مقصد خود نائل آمد.

در همدن راستا، امروزه جنبش جدیدی در تبیین و موضوع بندی فقه براساس نیازهای جامعه اسلامی و جهانی آغاز شده که تغییر دسته بندی مباحث فقهی به شکلی متناسب با نیازهای ضروری جامعه فعلی را نمی توان انکار کرد. در دسته بندی جدید مباحث فقه، نمی توان مباحث فقه حکومتی و فقه سیاسی را نادیده گرفت که یکی از گرایش های مهم فقه سیاسی، «فقه بین الملل و معاهدات بین المللی» است که از صدر اسلام قواعد و احکام متعدد فقهی پیرامون آن شکل گرفته است.^۲

۳- معاهدات بین المللی

معاهدات بین المللی به عنوان مهمترین منبع حقوق بین الملل^۳ به معنی توافق های بین المللی است که میان دو یا چند تابع حترق بین الملل به منظور حصول آثار حقوقی معین، منعقد شده و مشمول حقوق بین الملل می باشد.^۴ در حال حاضر، «عهدنامه وین مورخ ۲۳ مه ۱۹۶۹. م»؛ «عهدنامه وین در زمینه جانشینی کشورها بر معاهدات مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۸. م» و «عهدنامه وین در زمینه حقوق معاهدات میان کشورها و سازمان های بین المللی یا سازمان های بین المللی با یکدیگر مورخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶. م»؛ «مهمترین منابع معاهدات بین المللی محسوب می شوند که مجموع قواعد مندرج در این عهدنامه ها و سایر منابع عرفی، حقوق معاهدات بین المللی را تشکیل می دهند که امروزه به عنوان یکی از مهمترین شاخه های حقوق بین الملل عمومی محسوب شده و عبارت از مجموعه

۱. جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، روابط بین الملل در اسلام، ج دوم، قم، مرکز نشر اسراء، ص ۲۳.

۲. شبانی، محمد بن حسن (۱۳۸۹)، سیر شبانی، ترجمه حسین پیران، تهران گنج دانش، ص ۳۶.

۳. ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷)، اسلام و حقوق بین الملل، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، تهران، سمت، ص ۲۶۲.

4. Shaw Malcolm, N. (1997). International Law. Fourth Edition, Cambridge University press p.634.

قواعد حقوق بین الملل عمومی است که حاکم و ناظر بر معاهدات میان موضوعات حقوق بین الملل یعنی کشورها و سازمان‌های بین المللی است.^۱

حقوق معاهدات بین المللی در کنار مدون سازی عرف‌های رایج، با ابداع و نوآوری خاصی، بر روابط قراردادی میان کشورها و تابعان حقوق بین الملل حاکم بوده و هدف آن نیز تعیین قواعد و قانونگذاری بین المللی در زمینه معاهدات و قراردادهای بین المللی می‌باشد، که این قواعد شامل تعریف معاهده بین المللی، مراحل و نحوه انعقاد معاهدات، امضاء، تصویب و اجرای معاهدات، آثار معاهدات، بطلان، اختتام، کناره گیری و تعلیق معاهدات می‌شود.^۲

۴- انواع معاهدات

معاهدات بین المللی را از منظرهای مختلف و متعدد می‌توان طبقه بندی کرد. چنان که می‌توان آن‌ها را از جهت موضوع، معاهدات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضائی، امنیتی، سرزمینی و ... تقسیم بندی نمود یا از جهت مدت می‌توان به معاهدات مدت دار (موقت) و دائمی (غیر موقت) طبقه بندی کرد. همچنین از جهت طرفین و اطراف معاهده، می‌توان آن‌ها را به معاهدات دولت با اشخاص حقیقی و معاهدات دولت با اشخاص حقوقی (اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین المللی و ...) تقسیم بندی کرد.^۳ معاهدات را به لحاظ ماهیت و مفهوم به معاهدات، معاهده-قانون و معاهدات-قرارداد تقسیم کرده اند^۴ که معاهدات نوع اول قانون ساز بوده و به روابط اساسی در سطح بین المللی مربوط است^۵ و رعایت آن به مانند یک قانون بین المللی برای دولت‌ها لازم است^۶ مانند منشور سازمان ملل متحد که مضمون منشور برای طرفین الزامی است. بر این اساس می‌توان این نوع معاهدات را که ریشه در عرف جهانی، آداب و رسوم ملل و ارزش‌های بین المللی دارد

۱. ضیائی یگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، حقوق معاهدات بین الملل، ج سوم، تهران، گنج دانش، ص: ۸؛ موسی زاده، رضا (۱۳۷۷)، حقوق معاهدات بین المللی، تهران، نشر دادگستر، ص: ۱۹.

2. Wallace, Rebecca M.M. (1995). International Law, Third Edition, London, Sweet and Maxwell, p.228.

۳. عنایت، سید حسین، (۱۳۷۰)، تنظیم معاهدات بین المللی در حقوق کنونی ایران و مطالعه تطبیقی آن با فقه اسلامی و حقوق بین الملل معاصر، تهران، دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ص: ۴۲.

4. Slomanson, William R. (2003), International Law, Fourth Edition, Thomson, p.325.

5. Bindschedler, Rudolf L. (1990) Encyclopedia of Public International Law, Amsterdam, N. 7, North Holland, p.485.

۶. ماری دویوی، بیار (۲۰۰۸) القانون الدولي العام، ترجمه: محمد عرب صاصیلا و سلیم حداد، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، ص: ۳۲۸.

همسان با دعوت اسلام به مشترکات دانست که ریشه در آیه شریفه «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم» (آل عمران/۶۴) دارد. در مقابل این معاهده، معاهده قرارداد یا معاهده خاص هست که صرفاً برای طرفین آن در انجام یا عدم انجام امری تعهد متقابل ایجاد می کند؛ که این نوع معاهدات روابط گوناگون کشورها را در حوزه های بازرگانی، آموزشی، اقتصادی و ... تنظیم می کند. که این قسم از معاهدات بر اساس قاعده «اوفوا بالعقود» (مائده/۱) و در چارچوب سایر قواعد بین المللی نظیر تفاهم، تعاون «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده/۲) مسئولیت «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء/۷۵) و... برای دولت اسلامی تعهد ایجاد می کند. به هر حال علاوه بر جهات مذکور، معاهدات بین المللی و همچنین عهد و شبه تعهدات دولت اسلامی را می توان به لحاظ ذکر نام و عنوان آنها در فقه اسلامی به معاهدات معینی نظیر معاهده حباب، هدنه، صلح، ذمه و ... و از لحاظ این که در فقه عنوان خاصی برای آنها نیامده است به معاهدات نامعین نامگذاری کرد.^۱

در هر حال، معاهدات بین المللی را از هر حیث و جهاتی که طبقه بندی کنیم در تعمیم قواعد عمومی فقه انعقد بر آنها نباید تردید کرد. بر این اساس، رعایت قواعدی همچون اصل صلاحیت و اهلیت، انانیتاد معاهدات، اصل رضایت و آزادی اراده، اصل لزوم وفا به عهد یا احترام به عهد، مشروعیت موضوع و جهت معاهده امری مسلم و غیر قابل تردید است.^۲

در هر صورت برخی از انواع معاهدات بین المللی معین و نامعین که از منظر فقه صحیح شمرده شده اند عبارتند از:

۱-۴- معاهده ذمه: که به استناد شریفه قَاتِلُوا الدِّينَ الَّذِي بَعَثَ فِيهِ نُوحٌ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه/۲۹) به معاهدات دولت اسلامی با افراد و دولت های اهل کتاب اختصاص دارد.^۳

۱. بيطار، ولید (۲۰۰۸)، القانون الدولي العام، بيروت، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، ص ۱۸۶؛ ابوالوفاء،

احمد (۲۰۰۱) القانون الدولي و العلاقات الدولية في الشريعة الاسلام، القاهرة، دار النهضة العربية، ص ۶۴

۲. الذیک، ابراهيم محمود (۱۴۱۸ ق)، المعاهدات في شريعة الاسلام و القانون الدولي العام، الطبعه الثانيه، عمان، بی نا، ص ۱۵۲.

۳. رک: ابن نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقی های بین المللی مصوب ۱۳۷۱ هیات وزیران.

۴. عبدالله، عبدالباقي نعمه (۱۴۱۰ ق)، القانون الدولي العام: دراسه مقارنه بين الشريعة الاسلاميه و القانون الوضعي، بيروت، دار الاضواء، ص ۷۰.

۲-۴- معاهده حیا: به استناد شریفه اِنَّا الَّذِیْنَ یَصِلُوْنَ اِلٰی قَوْمٍ یِّنْکُمْ وَیَنۡهٰکُمْ مِّمَّآ اُوۡجَاۡوُکُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ اَنْ یُّقَاتِلُوْکُمْ اَوْ یُقَاتِلُوْا قَوْمَهُمْ (نساء/۹۰) معاهده ای است که ما بین کشورها بمنظور رعایت اصل بی طرفی منعقد می گردد. نظیر پیمانی که پیامبر (ص) با بنی ضمیره منعقد ساختند.

۳-۴- معاهده هدنه: که به معنی آتش بس و متارکه جنگ است. مبنای قرآنی مهاده متعدد است که از جمله می توان به این آیه شریفه «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها» (انفال/۶۱) استناد کرد.

۴-۵- معاهده حکمیت: که به معنای توافق برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی درکتابهاست. که می توان بر اساس آیه شریفه «و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما» (نساء/۲۵) مبنای قرآنی آن را نشان داد.

۵-۴- معاهدات مرز و سرزمینی: که به معاهدات مربوط به تعیین حدود و ثغور اراضی تحت حاکمیت دولت اسلامی یا دولت های همجوار اطلاق می شود. لازم به ذکر است تعداد زیادی از آیات قرآنی بر مبنای این معاهدات به عنوان دار، بلاد و دیار دلالت می کنند (ر.ک: هود/۶۵؛ بقره/۲۳۴؛ آل عمران/۹ و...).

۶-۴- معاهدات قانون ساز: از جمله معاهدات بین المللی نامعینی است که متضمن قواعد اصولی برای روابط بین المللی و فعالیت های حقوق بین المللی است نظیر منشور سازمان ملل متحد.

۷-۴- معاهدات خاص: از جمله معاهدات بین المللی نامعینی است که بین دو یا چند دولت معین و در موضوعات مختلف بازرگانی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و منعقد شده و برخلاف معاهدات قانون ساز، دارای هدف خاص مربوط به دولت های ادعاکننده و عضو بوده و فقط برای همان دولت ها لازم الاجراء هستند.

۱. ابوعلیه، السید (بی تا)، النظرية العامة للجهاد فی الشريعة الاسلامیه: دراسة فی القانون الدولی الاسلامی، اسکندریه، موسسه الثقافه الجامعیه، ص ۵۳؛ میر محمدی، سید مصطفی (۱۳۹۱)، اصل عدم مذاخله در اسلام و حقوق بین الملل، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ص ۱۱۵؛ الفهداوی، خالد سلیمان، (۱۹۹۸، م)، الفقه السیاسی للوثائق النبویه، عمان، دار عمار للنشر، ص ۲۲۷.

۲. الدیک، پیشین، ص ۳۵۱.

۳. ضیائی، پیشین، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۵۳.

به هر حال، کلیه معاهداتی که با رعایت اصول، ارکان، شرایط و قواعد عمومی فقه العقود منعقد می گردند، بنا به اصل مشروعیت و عدم مغایرت با موازین شرع و اصل صحت، معتبر بوده و براساس اصل لزوم وفای به عهد، صحیح و لازم الاجرا هستند.

۵- قلمرو فقه معاهدات: معاهدات بین المللی اسلامی و معاهدات اسلامی بین-

المللی

معاهدات بین المللی اسلامی به آن دسته از پیمان‌ها و معاهدات گفته می شود که برای آن‌ها عنوان خاصی در فقه وجود نداشته باشد و سابقه ای نیز در تاریخ صدر اسلام برای آن‌ها یافت نشده است، اما با این وجود، به دلیل عضویت یک یا چند دولت اسلامی معاصر در این معاهدات و جرح و تعدیل مفاد و موادی از آن معاهدات در راستای اسلامی سازی آن‌ها یا پذیرش «حق شرط» دولت و دولت‌های اسلامی توسط سایر اعضا و طرف‌های معاهدات، مفاد و مفاد آن معاهدات جنبه اسلامی پیدا کرده و مغایرتی با موازین اسلامی ندارند که از جمله می توان به کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حقوق دریاهای، کنوانسیون‌های مربوط به حمل و نقل اشاره کرد که بر اساس تجارب و نیازهای بشری ایجاد و دول اسلامی نیز در راستای پیشبرد اهداف خویش و به عنوان عضوی از جامعه بین المللی به عضویت آن‌ها درآمده و با اعمال حق شرط عدم التزام به احکام مغایر با موازین و اصول شریعت، آنها را اسلامی کرده اند. در مقابل معاهدات اسلامی بین المللی، نوع خاصی از پیمان‌ها و قراردادهای هستند که در فقه و تاریخ اسلام دارای نام و عنوان مشخصی بوده و شرایط و آثار آن‌ها نیز توسط موازین اسلامی امضاء و یا تاسیس شده اند که به مرور جنبه جهانی و بین المللی پیدا کرده و سایر دولت‌های غیر اسلامی نیز از مفاد و موازین این معاهدات استفاده می کنند که در آن جمله می توان به معاهدات مربوط به حمایت از پناهندگان (معاهده جوار) و از آن جمله *مِنَ الْمُشْرِكِينَ* استجارک فاجر (توبه/۶)، معاهده حمایت از اقلیت‌ها (عقد ذمه) و معاهده هدنه اشاره کرد که قلمرو فقه معاهدات شامل هر دو دسته از معاهدات مذکور شده و هم معاهدات بین المللی که دولت‌های اسلامی با حق شرط عضو آن‌ها شده اند و هم معاهداتی که مبدع آن‌ها فقه اسلامی بوده و لکن امروز جنبه جهانی و بین المللی به خود گرفته است را شامل می شود.

۶- فقه و معاهدات بین الملل

دین اسلام دارای قواعد فقهی مستقلی در زمینه معاهدات بین المللی است^۱، به نحوی که قراردادی کردن روابط بین الملل یکی از اصولی ترین راه حل های بنیادی است که اسلام در مباحث فقهی بر آن اصرار می ورزد. این اصرار در آن حد است که از دیدگاه اسلام، در صورت شکست خوردن این روش اصولی در روابط بین الملل، هیچ راه حلی جز مخاصمات مسلحانه باقی نمی ماند^۲. لذا فقه اسلامی نیز مشتمل بر قواعد مهمی در تعریف معاهد، بین المللی، آیین انعقاد آن، شرایط عمومی معاهدات، انواع معاهدات و بالاخره مباحث بطلان و اختتام معاهدات بوده^۳ و به استناد آیه شریفه «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴)، مخاطب اسلام نیز فقط مسلمانان نیستند بلکه همه بشریت و جهان، مخاطب محتوای نورانی و جانبخش اسلام است. قرآن کریم در آیات زیادی، مردم را با عنوان «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (نساء/۱) و «يَا بَنِي آدَمَ» (یس/۶۰) مورد خطاب قرار داده و با توجه کردن خطاب به اقوام، ملل، نحل و پیروان سایر ادیان، سعادت و هدایت خویش را شاهد گرفته و به انسان ها «لِلنَّاسِ وَلِلْعَالَمِينَ» (بقره/۱۸۵؛ انعام/۹۰) دانسته است.

اسلام از دو طریق سعی در قراردادی کردن قواعد فقهی خویش دارد: یکی از طریق ایمان آوردن افراد و ملت ها به آن قواعد؛ که نوعی قرارداد با خداست «يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالله» (نساء/۱۳۶) و دیگری از طریق انعقاد معاهدات با چند جانبه میان افراد و احاد ملت که قرارداد با مردم است و از آن به «ایمان» (نحل/۹۱) تعبیر می شود. اسلام با «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱) همه تلاش خویش را برای حفظ قراردادها و پایبندی به معاهدات به کار می گیرد و شکستن معاهده را نقض عهد خدا می داند «الَّذِينَ يَقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» (بقره/۲۷).

وفای به عهد و پایبندی به معاهدات از فرائض اسلام و علامت تقوا و ایمان و از مهمترین اصول روابط سیاسی، اجتماعی و بین المللی اسلام به شمار می رود. وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا

۱. یوسف، حسن (۲۰۱۰)، تأثیر القانون الدولي العام على القانون الاسلامی، قاهره، المركز القومي للاصدارات القانونية، ص ۲۴۹؛ الفهداوی، ص ۱۲

۲. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۹)، فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، سازمان سمت، ص ۴.

۳. بسول لیب، احمد (۱۳۸۹)، معاهدات بین المللی در اسلام، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۶۹

عَاهَدُوا (بقره/۱۷۷). بر این اساس ارتباط وثیقی میان فقه اسلامی و معاهدات بین المللی برقرار می گردد تا احکام فقهی این معاهدات، براساس اصول و موازین اسلامی استنباط و تبیین شده و به منصفه عمل و اجرا برسد.^۱

۷- آیات الاحکام معاهدات بین الملل

فقه معاهدات بین الملل همچون سایر ابواب فقهی، ابتدائاً مبتنی بر آیات قرآن کریم است که آیات قرآن نیز در این زمینه متعدد هستند. برخی از آیات، نظیر «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَمْ» (آل عمران/۶۴) بر اصل قراردادی کردن روابط بین الملل و ایجاد توافق -اسم از شفاهی و مکتوب- به منظور گسترش روابط سیاسی، دیپلماسی و حقوقی و مآلاً مسدودسازی مذاکرات و توافقات به منظور نیل به قراردادی کردن روابط بین الملل دلالت دارند؛ آیهی «لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل/۹۱) بر اصل لزوم معاهدات و آیات شریفه ای همچون «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (توبه/۷) بر رعایت متقابل مفاد و محتوای معاهدات اشاره دارند. همچنین برخی از آیات دربردارنده مضامینی هستند که از آنها قواعد فقهی معاهدات بین الملل استنباط می شوند که از آن جمله می توان به قاعده «نفی سبیل» به استناد آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱)؛ قاعده «نفی ولایت کفار» به استناد آیه شریفه «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۰)؛ قاعده «نفی رکون» به استناد آیه شریفه «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود/۱۱۳) و آیات و قواعد فقهی متعدد دیگری اشاره نمود.^۲

۸- همزیستی مسالمت آمیز پیش شرط معاهدات بین المللی

برخی با استناد به آیاتی از قرآن کریم و روایات وارده؛ نظیر آیاتی که مسلمانان را به جهاد با کفار فراخوانده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (توبه/۱۲۳) و آن ها را از سستی و دعوت به صلح برحذر داشته «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ» (محمد/۳۵) و یا مسلمانان را از دوستی با کفار مذمت کرده «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ» (آل عمران/۲۸) و یا با استناد به آیه ۵ سوره مبارکه توبه «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ

۱. جوادی آملی، پیشین، ص ۱۴۹.

۲. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۲)، قواعد فقه: بخش حقوق بین الملل، ج ۴، تهران، سازمان سمت، ص ۸.

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ؛ از اصالت جنگ و جهاد در اسلام سخن گفته و معتقدند که اصل نخستین در رابطه با کافران بر مبارزه، جهاد، جنگ و پیکار استوار است نه قرارداد و معاهده^۱.

به نظر می‌رسد، نسبت دادن چنین برداشتهایی به اسلام، عین بی‌انصافی است، چرا که اثبات اصالت جنگ و جهاد در روابط دولت اسلامی با دول دیگر بسیار دشوار و مشکل است. این گونه نیست که مسلمانان و دولت اسلامی مأمور باشند در هر شرایطی و همواره با کفار در جنگ باشند. اسلام به هیچ روی قبل از اتمام حجت بر کافران و دعوت آنان به شیوه نیکو (بال احسن) و با وجود عقد و پیمان میان مسلمانان و کفار، اقدام به جهاد نمی‌کند. در حمایت به اسلام و تحقق تبلیغ اسلامی بدون جهاد امکان‌پذیر باشد، چنین طریقه‌ای مقدّر بر جهاد نخواهد بود و در واقع جهاد ضرورتی است که در مواقع خاص به میزان ضرورت، اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. اگر دولت اسلامی و مسلمانان موظف به تلاش و مجاهدت برای بسط عدل اسلامی و نوای روحبخش اسلامی هستند، این دلالت نمی‌کند که اصل و قاعده اولی در روابط دولت اسلامی با هر دولت دیگری، جنگ و جهاد است^۲. در ضمن؛ آن بخش از آیات و روایات، که دلالت بر جهاد دارند، فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ (توبه/۱۲) بر وجوب جهاد با دولت‌های «ناافر مستکبر» و متخاصم دلالت دارند، نه جهاد با دولت‌های هم‌پیمان و غیر متخاصم. بنابراین از منظر فقه کلان اسلام، اصل و قاعده اولی در روابط بین‌المللی، جنگ و جهاد نمی‌باشد بلکه قاعده اولی و اصالت و ملاک اصلی، همزیستی مسالمت‌آمیز در چارچوب مصالح اسلامی و اصول و قواعدی همچون تفاهم، تعاون، مشارکت و عدم تخاصم می‌باشد.

۹- طرفین فقه معاهدات بین‌المللی:

قبل از بیان موضوع لازم به ذکر است که اولاً: روابط بین‌المللی دولت‌ها لزوماً در چارچوب معاهدات شکل نمی‌گیرد هرچند معاهدات مصداق اتم تنظیم روابط حقوقی میان کشورهاست. ثانیاً: وضعیت عضویت یا الحاق به معاهدات قانون ساز با معاهدات قراردادی متفاوت است که مسلماً مباحث مربوط به این قسمت ناظر به معاهدات قراردادی یا همان

۱. ابوزهره، محمد (۱۳۸۵)، روابط بین‌الملل در اسلام، ترجمه احمد اشرفی، مشهد، نشر سنبله، ص ۴۷.

۲. عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۴.

۳. جوادی آملی، پیشین، ۱۷۹.

معاهدات خاص می باشد. به هر حال، روابط بین المللی دولت اسلامی در فقه معاهدات در چهار بعد، قابل بررسی است که شامل: روابط با دولت‌های اسلامی دیگر، رابطه با دولت‌های معتقد به ادیان توحیدی، رابطه با سایر دول (غیر مسلمان و غیر موحد) و رابطه با مستکبران می شود. که رابطه با دولت‌های اسلامی بر مبنای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰) طراحی و ترسیم می شود و رابطه با ادیان توحیدی به استناد «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴) تنظیم می گردد. که خداوند خطاب به رسول اکرم (ص) می فرماید: اهل کتاب را دعوت کن و به آن‌ها بگو که بیاوید مشترکات را به عنوان مبنای روابط میان اسلام و شما اهل کتاب تعیین کنیم و رابطه با سایر خدایان که اصلاً پیرو هیچ یک از ادیان الهی نیستند، به استناد «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُؤْتِكُمْ حَتْمَ الْإِيمَانِ وَلَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه/۸) تنظیم و تبیین می شود. یعنی کافرانی که اهل توطئه علیه مسلمانان نبوده و کاری با مسلمانان ندارند، اگر مورد لطف مسلمانان و دولت اسلامی قرار بگیرند، این کار، محبوب خداوند است و شما مسلمانان زندگی مسالمت آمیز همراه با قسط و عدل با آن‌ها داشته باشید. اما کافرانی که علیه مسلمانان و اسلام از هیچ تلاشی فرو گذار نمی کنند و جزو مستکبرانند، نه صرفاً کفار؛ بلکه با مسلمانان نمی توانید زندگی مسالمت آمیز داشته باشید زیرا آن‌ها خون، مال و عرض شما را محترم نشمرد و شما را رها نمی کنند و آن‌ها هیچ پیمانی را محترم نمی شمارند و لذا قرآن می فرماید: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه/۱۲): یعنی با سردمداران ستم و کفر بجنگید تا برای این که آن‌ها ایمان ندارند و کافرند، بلکه برای آن که آن‌ها اهل میثاق و عهد نیستند، بنابراین قرآن میان کافر و مستکبر فرق می گذارد. کافر، اگرچه اصول الهی را نمی پذیرد ولی اصول انسانی را می پذیرد، اما مستکبر، نه اصول الهی را می پذیرد و نه اصول انسانی را؛ زیرا که دارای خوی استکبار، پیمان شکنی و تحمیل و استعمار است و به هیچ پیمانی احترام نمی گذارد. بنابراین، طرف معاهده دولت اسلامی جز مستکبران، همه فرق و گروه‌ها هستند چرا که اسلام نه دین انزوا است تا جدای از جهان زندگی کند و نه سلطه پذیر و نه سلطه گر است. لذا، هرگونه معاهده و پیمان با کافران تا مادامی که به مرز استکبار نرسد، امری گرامی است.